

## قرار رد و ابطال دادخواست

( ۳ )

### وجوه اشتراك و تشابه قرارهای رد و ابطال دادخواست

۱-۶ - دادخواست اعم از اینکه رد شود یا ابطال گردد قابل تجدید است و مستندات قانونی و سیره قضائی قابل استناد برای اثبات این نظر بشرح آتی است :

الف - ماده ۱۹ قانون ثبت مقرر می‌دارد : (... تجدید عرض حال فقط در ظرف ده روز پس از ابلاغ قرار ابطال برای یک مرتبه ممکن خواهد بود . در این مورد عرض حال مستقیماً به محقق ثبت یا دفتر مجسمه صلاحیتدار داده خواهد شد.) و بطوریکه در ردیف (۶-۵۸) از موارد صدور قرار ابطال دادخواست قبلاً در مقام اشاره بنظریه‌های کمیسیونهای مشورتی ق- و این ثبت و آئین دادرسی مدنی اداره حقوقی وزارت دادگستری راجع بتبصره ماده ۱۹ قانون ثبت گذشت حکم ماده ۱۹ نسبت بقرارهای رد دادخواست صادره از طرف مدیر دفتر دادگاههای عمومی مدنی دادگستری نیز تسری دارد .

ب - آراء صادره از شعب دیوان عالی کشور از جمله :

اول - رأی شماره ۱۲۲۰ - ۲۹/۶/۲۷ شعبه ۸ دیوان عالی کشور منتشره در صفحه ۱۴ مجموعه رویه قضائی - قسمت حقوقی جمع آوری احمد مین باین شرح : (بالحاظ اینکه در مورد غیر اعتراض بر ثبت اصولاً تجدید دادخواست مانعی ندارد و چنانکه ماده ۳۱۱ قانون آئین دادرسی

مدنی هم مفید این معنی میباشد ، و اینکه تحدید این حق بمدت ده روز در مورد اعتراض بر ثبت فقط بملاحظه سرعت در ختم دعوی بوده و مصلحت دیگری را حائز نیست و سیاق ماده ۱۹ قانون ثبت و تبصره آن نه فقط در زمینه حصر بمورد عدم حضور نیست بلکه ظاهر در تممیم است. بنابراین تجدید دادخواست در موردیکه بعلمت عدم ابراز اصلاً سند دادخواست باطل شده باشد جایز است و سلب این حق در چنین موردی مستند قانونی ندارد .

دوم - رأی شماره ۱۶۴۷- ۲۳/۷/۱۳۱۸ شعبه ۴ دیوان عالی کشور چاپ شده در صفحه ۱۹۹ مجموعه فوق الذکر مثنی : (اگر دادگاه استان در موقعی دادخواست پژوهشی را از لحاظ نقصان رد کند که هنوز حکم بدوی ابلاغ نشده بوده و تا هنگام تقدیم دادخواست مجدد نیز حکم مزبور ابلاغ نگردیده باشد در این صورت موعد پژوهش نسبت به پژوهشخواه باقی بوده و قبل از گذشتن موعد قانونی دادخواست مجدد تقدیم شده ورد دادخواست بعنوان نقص مانع از قبول دادخواست مجدد که در موعد داده شده نخواهد بود و نمیتوان دادخواست مجدد او را بعنوان اینکه سابقاً دادخواست او رد شده پذیرفت .)

بدین ترتیب تجدید دادخواست پژوهشی هم با موجود بودن شرایط از قبیل موارد منعکسه در رأی فوق الاشعار شعبه ۴ دیوان عالی کشور امکان خواهد داشت النهایه نه مانند مرحله بدوی و بطور اطلاق

ج- مواد ۱۰ و ۱۲ تا ۱۶ و ۲۷۴ و ۳۲۱ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری که تجدید دادخواست را تجویز نموده و ذیل ماده ۳۲۱ اصلاحی قانون مذکور بشرحی که بند ۱-۴۸ از موارد صدور قرار رد دادخواست از طرف دادگاه توجیه شده در حالیکه ناظر بموارد ابطال ورد دادخواست ضروریان مدعی خصوصی است مقرر میدارد :

(... در موارد مذکور فوق مدعی خصوصی میتواند طبق مقررات برای مطالبه ضرر و زیان فقط بدادگاه مدنی مراجعه و دادخواست مجدد تقدیم دارد ...)

بنابراین با صدور قرارهای رد دادخواست و ابطال دادخواست بجز موارد استثنائی مصرحه در قوانین مربوطه که تجدید دادخواست را محدود بفرجه زمانی بخصوصی نموده اند در مرحله بدوی بطور کلی خواهان میتواند دادخواست خود را تجدید نماید و حتی جز در مواردیکه نصوص خاص قانونی تقدیم دادخواست مجدد را بزمان معینی (ماده ۱۹ قانون ثبت اسناد و املاک و تبصره ذیل آن) نکرده یا تقدیم آنرا بمرجع معینی (ماده ۲۷۲ قانون آئین دادرسی مدنی و مواد ۱۳-۱۵-۱۶-۲۷۴ و ۳۲۱ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری) تصریح نکرده - منع قانونی برای تقدیم مجدد آن در زمان غیر محدود و بدفعات و پس از صدور قرار ابطال یا رد دادخواست در هر دفعه - بنظر نرسیده است .

۲ - ۶۲- با صدور قرار رد یا ابطال دادخواست در هر دو مورد پرونده از جریان

رسیدگی و موجودی دادگاه خارج میشود .

۳-۶۳ - قرارهای رد دادخواست و ابطال دادخواست در صورتیکه ابتداء از دادگاه صادر شوند هر دو بسته بمورد قابل پژوهش و فرجام هستند (بند ۲ ماده ۴۷۸ - ۲۷۳ - بند ۲ ماده ۵۲۳ - ۵۲۵ قانون آئین دادرسی مدنی - بند ۱ ماده ۳۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری) .

باید دید مبدء شکایت پژوهشی در اینموارد از چه تاریخی شروع میشود ؟ : بسته باینکه قرار مربوطه از دادگاه حقوق یا دادگاه جزا صادر شود مبدء شکایت پژوهشی فرق میکند چه ماده ۴۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر میدارد : (ابتداء مهلت پژوهشی بطریق زیر معین میشود :

۱ - نسبت باحکام حضوری از تاریخ ابلاغ و نسبت باحکام غیابی از تاریخ انقضاء

مدت اعتراض

۲ - نسبت بقرارها از تاریخ ابلاغ .)

از این ماده دو نتیجه گرفته میشود :

اول - برعکس بند ۱ ماده مذکور که نحوه ابلاغ احکام حضوری و غیابی را از هم تفکیک کرده در بند ۲ آن درباره قرارها از این حیث قائل بتفکیک نشده است بنابراین قرارهاییکه مستقلاً قابل شکایت پژوهشی هستند دارای مرحله غیابی نبوده واء-م از اینکه در حضور اصحاب دعوی یا در غیاب آنها یا پس از مبادله - وایح صادر شوند در هر حال فقط قابل پژوهش هستند .

رأی اصراری شماره ۱۸۹۶ - ۲۷/۱۱/۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور چنین انشاء

شده است :

و قرار رد دادخواست که بعلت عدم اقدام در رفع نقص صادر شده باشد... غیابی قابل اعتراض نیست در اینصورت استدلال دادگاه بر لزوم تقدیم دادخواست اعتراض در اینصورت بدادگاه صادر کننده قرار و رعایت مسافت مبنی بر فرض غیابی بودن قرار صحیح نبوده است (صفحات ۱۴۱ و ۳۱۱ مجموعه رویه قضائی آراء مدنی از سال ۱۳۲۸ از انتشارات موسسه روزنامه کیهان)

دوم - برای شروع مهلت پژوهشی بایستی قرار رد یا ابطال دادخواست که بدو از دادگاه صادر شده است بخوانان و تقدیم کننده دادخواست بدادگاه مدنی ابلاغ شود و لوائیکه نامبرده در جلسه دادرسی و اتخاذتصمیم حضور داشته باشد در نتیجه باید :

اولا - دادنامه تهیه شده از قرارها بتمداد کافی بوده یا رونوشت کافی بتمداد لازم از آنها

جهت تسلیم نسخه ای بطرفین تهیه گردد .

ثانیاً - دادنامه تهیه شده بوسیله مأمور ابلاغ بطرفین ابلاغ شود و درحین ابلاغ نسخه از آن به مخاطب تحویل گردد و در واقع میتوان همین دو مورد را وجوه تمایز بین ابلاغ و اعلام دانست .

آراء متعددی در این مورد از شعب دیوان عالی کشور صادر شده که از آن جمله هستند : رأی شماره ۱۲۱۰-۱۹/۴/۲۷ شعبه ۱ و ۱۱۵۴-۲۷/۸/۲ شعبه ۴ و ۴۰۸-۳۱/۱/۲۶ و ۶۱۹-۲۲/۴/۲۷ شعبه ۸ دیوان عالی کشور (صفحه ۱ مجموعه رویه قضائی- قسمت حقوقی - جمع آوری احمد متین) که بشرح آتی انشاء شده اند :

و چنانکه در ماده ۲۴۵ قانون آزمایش سابق و ماده ۱۶۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصرح است : طریقه ابلاغ حکم مطابق قواعدی است که برای ابلاغ دادخواست و سایر برگها مقرر میباشد . بنا بر این همچنانکه دادخواست و برگهای پیوست آن بموجب مواد ۲۵ و ۲۷ قانون سابق و ماده ۹۰ قانون آئین دادرسی مدنی میبایست توسط مأمور ابلاغ با قید تاریخ بخوانده یا جانشین او که در قانون معرفی شده تبلیغ شده و تسلیم گردد و در برگه دیگر مأمور مزبور رسید مخصوص گرفته تسلیم دفتر دادگاه نماید . همانطور هم در ابلاغ احکام میبایست رونوشت حکم با قید تاریخ از طرف مأمور بمحکوم علیه داده شود و رسید آنرا در برگه دیگر از محکوم علیه یا جانشین او گرفته بدفتر دادگاه برگرداند و گرفتن رسید در حکم و عودت آن بدفتر دادگاه بدون اینکه رونوشتی از آن نزد طرف باقی بماند برخلاف مصرحات قانون و مراد مقنن است . چه ؟ مقصود از ابلاغ دادخواست و منضمات آن و حکم آنستکه خواننده و محکوم علیه از اقامه دعوی و دلایل آن بطور تفصیل مطلع شده و از جهات و علل محکومیت خود آگاه گردد تا از مدافعه دعوی متمکن گردیده و در صورتیکه بحکم دادگاه تسلیم نباشد بتواند اظهارات و ایرادات خود را تهیه نموده و از مقامات بالاتر فسخ و ابطال حکم را درخواست کند . و این مقصود بدون تسلیم دادخواست و برگهای پیوست آن یا رونوشت حکم و باقیماندن آنها نزد خواننده و محکوم علیه صورت نمیپذیرد . بنا به جهات مذکور علاوه بر اینکه ابلاغ حکم مستلزم تسلیم رونوشت آن از طرف مأمور ابلاغ بمحکوم علیه است لازم است رونوشت مزبور در نزد محکوم علیه باقی بماند . بنا بر این اگر مأمور ابلاغ حکم را بمحکوم علیه بدهد و مجدداً آنرا با اظهار و ایراد محکوم علیه گرفته و بدفتر دادگاه دعوت دهد چنین تبلیغ و تسلیمی را نمیتوان ابلاغ قانونی شمرد .

بعلاوه مدلول بندهای ۴ تا ۶ ماده ۴۹۱ قانون آئین دادرسی مدنی نیز تسلیم نسخه

ثانی رونوشت قرار رد ابطال دادخواست را بخوهران و دادخواست دهنده اقتضا مینماید .

ثالثاً - اگر دادخواست دهنده وکیل داشته باشد ابلاغ قرار رد یا ابطال دادخواست

با رعایت مواد ۶۸ و ۶۹ و تبصره ذیل آن و ۱۶۳ و نظایر آن از قانون آئین دادرسی مدنی صورت گیرد .

سوم - تاریخ مبداء شکایت پژوهشی از قرار رد دادخواست صادره از دادگاه جزائی که ضمن احکام حضوری صادر میشود از تاریخ اعلام آنست و الا از تاریخ ابلاغ آن خواهد بود (مواد ذیل ۱۳ - ذیل ۳۱۷ - ۳۵۱ - ۳۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری و ۱۴ قانون تشکیل محاکم جنائی مصوب مردادماه ۱۳۳۷)

لازم بیادآوری است که اجرای قواعد مذکور در این قسمت فقط در سه مورد مصداق پیدا میکنند که عبارتند از :

موقعی که مدعی خصوصی در جلسه دادرسی که متهم در آن جلسه برائت حاصل کرده است حضور داشته و دادستان مربوطه از حکم برائت پژوهش خواسته باشد - یا قرار رد دادخواست صادره بلا لحاظ خارج از موعد تقدیم شدن آن باشد. و یا مدعی خصوصی هزینه دادرسی دادخواست ضرروزیان ناشیه از جرم را نپرداخته باشد .

که در صورت مذکور در صورت فسخ قرار رد دادخواست ساده در مرحله پژوهشی مستفاد از ذیل ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری بدادخواست ضرروزیان مدعی خصوصی در دادگاه جزا وفق مقررات مربوطه رسیدگی خواهد شد.

(مواد ۱۳ - ۳۶۳ - ۳۳۶ - بند ۱ ماده ۳۴۴ - ۳۴۴ - ۳۴۸ - ۳۵۶ قانون آئین دادرسی کیفری) و در سایر موارد بطوریکه جزء مستثنیات ذیلا خواهد آمد قرار رد دادخواست صادره از دادگاههای جزا بنظر نگارنده قابل پژوهش نمیشود .

## مستثنیات قابل پژوهش بودن قرارها

۴-۶۴ - قرارهای رد و ابطال دادخواست در موارد زیر قابل پژوهش نیستند:

الف - قرارهای رد دادخواست صادره از طرف مدیران دفاتر دادگاههای مدنی که در حدود مقررات از طرف آنها و در غیبت آنها از طرف جانشین آنان صادر میشود قابل پژوهش نیستند بلکه فقط در نزد دادگاههایی که مدیران دفاتر تحت نظر دادگاههای مذکور انجام وظیفه مینمایند قابل شکایت هستند نتیجتاً در اعلام شکایت بموعده از قرار رد دادخواست صادره از طرف مدیران دادگاههای مدنی تشریفات آئین دادرسی مدنی راجع بدادخواست و جریان آن لازم الرعایه نبوده و از این حیث هزینه ای قابل پرداخت بنظر نمیرسد و صرف تقدیم ورقة اعتراض در موعد مقرر قانونی بدادگاهی که مدیر دفتر صادرکننده قرار تحت نظر آن دادگاه انجام وظیفه مینماید

کافی برای رسیدگی دادگاه مزبور خواهد بود که پس از رسیدگی رأی قطعی صادر می‌نماید .  
ب- قرار ابطال دادخواست که در اثر عدم حضور مدعی خصوصی در موعد مقرر در اولین جلسه دادرسی در دادگاههای خلاف و جنحه و بشرط عدم تأثیر گذشت مدعی خصوصی در جنبه عمومی امر صادر میشود که در این مورد بدستور ذیل ماده ۳۲۱ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری مدعی خصوصی فقط میتواند بدادگاه مدنی مراجعه و دادخواست مجدد تقدیم دارد .

ج- قرار رد دادخواست که در موارد زیر صادر میشود :

اول- قرار رد دادخواست که در اثر عدم حضور مدعی خصوصی در موعد مقرر در اولین جلسه دادرسی در دادگاههای خلاف و جنحه و بشرط قابل گذشت بودن امر جزائی که منتهی بصورت قرار موقوفی پیگرد در امر جزائی میگردد - صادر میشود که در این مورد بدستور مادتهای ۲۷۴ و ۳۲۱ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری مدعی میتواند بدادگاه مدنی مراجعه و دادخواست مجدد تقدیم دارد .

دوم- رد دادخواست مدعی خصوصی که در اثر صدور حکم برائت متهم از امر کیفری اسنادی باو صادر میشود. در این مورد بدستور ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی کیفری مدعی خصوصی میتواند بدادگاه مدنی مراجعه کند.

سوم- قرار رد دادخواست که در اثر صدور قرار موقوفی پیگرد امر جزائی بعلل فوت یا جنون متهم یا عفو عمومی در مورد تقصیرات سیاسی و یا شمول مرور زمان در موارد تقصیرات عرفی صادر میشود که مستفاد از وحدت ملاک ماده ۳۲۱ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری در این موارد مدعی خصوصی میتواند فقط بدادگاه مدنی مراجعه و دادخواست مجدد تقدیم دارد .

چهارم- درباره قرار ابطال دادخواست صادره از دادگاههای مدنی در پرونده های اعتراض بر ثبت که در جلسه مقرر برای محاکمه معترض یا وکیل او حاضر نشده و مستدعی ثبت تقاضای ابطال آنرا نموده است این توضیح ضروری است که اگر معترض (واخواه) ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قرار ابطال دادخواست باو یا وکیل اش اقدام بتجدید دادخواست ننماید و فقط با پژوهشخواهی از قرار ابطال دادخواست صادره از دادگاه یا شکایت از قرار رد دادخواست صادره از طرف مدیر دفتر دادگاه (تبصره ماده ۱۹) آنرا تمقیب نماید و قرار ابطال در مرحله پژوهشی و قرار رد در مرحله رسیدگی بشکایت تأیید شود ، معترض (واخواه) دیگر نمیتواند اقدام بتجدید دادخواست نماید . (ببند ۶-۵۷ این مقاله رجوع شود)

۵- ۶۵- قرارهای رد دادخواست و ابطال دادخواست در صورتیکه ابتداء از دادگاه صادر شود هر دو بسته بمورد قابل فرجام هستند (بند ۲ ماده ۵۲۴ و ماده ۵۲۵ ق.ا.د.م. بند ۳ ماده ۴۱ قانون تشکیل محاکم جنائی مصوب اول مردادماه ۱۳۳۷ و منتشره در روزنامه رسمی

شماره ۳۹۵۱ -- ۱۷/۶/۳۷ ماده ۴۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری)

۶-۶۶ -- درباره قرارهای رد و ابطال دادخواست -- هر دو -- باید دادنامه تهیه شود. در این مورد ماده ۱۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: (در ظرف پنج روز از تاریخ صدور حکم بقراری که مستقلاً قابل شکایت است پاک‌نویس آن باید تهیه شده و بامضای دادرسی دادگاه و مدیر دفتر برسد. این پاک‌نویس دادنامه خوانده می‌شود.) با توجه باطلاق ماده که مقرر داشته (قراری که مستقلاً قابل شکایت است) دستور آن شامل قرارهای رد دادخواست صادره از طرف مدیر دفتر دادگاههای مدنی که قابل شکایت در همان دادگاه است خواهد بود و اینها به دادنامه تهیه شده در این مورد که رونوشت قرار صادره است فقط بامضای مدیر دفتر دادگاه تهیه خواهد گردید و نیز بقراری رد یا ابطال دادخواست صادره ابتداء از طرف دادگاههای مدنی که قابل شکایت پژوهشی و فرجامی (بسته بمورد) هستند تسری دارد.

۷-۶۷ -- چون با صدور قرار رد ابطال دادخواست محتویات پرونده امر از حیث بهاء و اوراق و هزینه‌های تمبر و نظایر آنها نیز مردود شده یا ابطال شده محسوب است لذا در صورت تجدید دادخواست بایستی دادخواست دهنده مجدداً متحمل هزینه‌های مربوطه شود. ولی اگر اصول مدارکی ضمیمه آنها بوده باشد بنظر می‌رسد مدارک و مستندات مذکور در دادخواستی که مردود اعلام شده بوده مجدداً قابل استناد باشد.

## وجوه افتراق قرار رد دادخواست و قرار ابطال دادخواست

۱-۶۸ -- قرار رد دادخواست بسته بمورد ممکن است از طرف دادگاهها یا مدیران دفاتر دادگاهها صادر شود در صورتیکه قرار ابطال دادخواست وفق مقررات فقط از طرف دادگاهها صادر می‌شود.

۲-۶۹ -- قرار رد دادخواست در اثر وجود نواقص در تشریفات قانونی خود دادخواست و ضامم آن یا خارج از موعد تقدیم شدن آن است ولی قرار ابطال دادخواست در اثر استرداد دادخواست کامل و یا استرداد دعوی قبل از رسیدن به مرحله صدور حکم (یعنی استرداد دادرسی) از طرف خواهان یا عدم تعقیب آن از طرف خواهان -- بوسیله دادگاهها صادر می‌گردد. (ماده ۱۲۳-۱۶۵ و صدور ماده ۱۹۷ و نظایر آن قانون آیین دادرسی مدنی)

۳-۷۰ -- صدور قرار رد دادخواست متعقب بدرخواست طرف نیست و در حدود قانون از

تکالیف خوددادگاه یا مدیران دفاتر آنهاست . ولی ابطال دادخواست خواهان بسته به مورد مستلزم درخواست استرداد آن از طرف خود خواهان یا درخواست ابطال آن از آن طرف خواننده بشخصی دادگاه است .

شعبه اول دیوان عالی کشور در دای شماره ۹۰-۱۶/۱/۱۳۱۶ چنین انشاء رای کرده است : (رردادخواست از حقوق قانونیه است که دادگاهها در موارد مینه قانونی مکلف باصدار قرار آن میباشد و از حقوق شخصی که منوط بتقاضای اصحاب دعوی باشد نیست تا تقاضا نکردن پژوهشخواه قبل از جریان دادخواست موثر باشد) (صفحه ۲۰۰ مجموعه رویه قضائی - قسمت حقوقی - جمع آوری احمد متین)

۴-۷۱- در کلیه مواردیکه دادخواست ابطال میشود دادگاه بتقاضای خواننده مکلف بصدر خسارت وارده بر خواننده خواهد بود (ذیل ماده ۱۶۶ ق.ا.م. و لی در مواردیکه قرار دادخواست صادر میشود هنوز خسارتی بخواننده وارد نشده تادرسورت درخواست از طرف او دادگاه ملزم بصدر حکم در این مورد باشد .

۵-۷۲- قطع نظر از معافیتهای قانونی در اثر ابطال دادخواست علاوه بر اینکه خواهان ممکن است بخسارات وارده بخواننده محکوم شود عملا خسارات دادرسی بمعنی پیش بینی شده در ماده ۷۱۷ قانون آئین دادرسی مدنی از جیب او رفته است . ولی در اثر رردادخواست اگر در آن بعلت عدم پرداخت بموقع هزینه دادرسی باشد اصلا خسارت بخواهان وارد نشده و اگر بعلی غیر از تأدیة هزینه دادرسی باشد فقط ممکنست هزینه دادرسی بمعنای پیش بینی شده در ماده ۶۸۱ قانون آئین دادرسی مدنی از جیب او برود .

۶-۷۳- قرار ابطال دادخواست که از دادگاههای مدنی ابتداء صادر میشود بسته به مورد قابل پژوهش و فرجام است در حالیکه قرار رد دادخواستها فیکه از طرف مدیران دفاتر دادگاههای مدنی صادر میگردد فقط شکایت در نزد همان دادگاههاست و بالنتیجه شکایت از این قبیل قرارها نیازی بتنظیم آن در بر گهای دادخواست رسمی یا تحمل هزینه دادرسی ندارد .

۷-۷۴- قرار ابطال دادخواست ضروریان ناشی از جرم که از دادگاههای خلاف و جنبه بلحاظ وحدت ملاک ماد تین ۲۷۴ و ۳۲۱ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری فقط در یک مورد صادر میشود قابل پژوهش نبوده - فقط قابل تجدید در دادگاههای صالح مدنی است . در صورتیکه فقط برخی از قرارهای رد دادخواست صادره از دادگاههای مذکور (همانطوریکه در بند ج از شماره ۴-۶۴ گذشت) قابل تجدید در دادگاههای صالح مدنی است و اصل قابل پژوهش



بودن قراردادهای رد دادخواست صادره از دادگاههای فوق‌الذکر میباشد. (بند ۱ ماده ۳۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری)

در ضمن قراردادهای صادره از دادگاه جنائی اعم از قرار رد و یا ابطال دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی قابل فرجام میباشد. (بند ۳ ماده ۳۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری و بند ۳ ماده ۴۱ قانون تشکیل محاکم جنائی مصوب ۳۷/۵/۱ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۳۹۵۱-۱۷/۶/۷)

### دو هنر...

برای تأمین سلامت روح و جسم دو هنر وجود دارد. هنری که بروح مربوط است هنر سیاست است ولی هنری که تندرستی جسم را تأمین میکند دارای دو قسمت است یکی ورزش و دیگری طبابت.

هنر سیاست نیز از دو قسمت تشکیل مییابد؛ قسمت اول که مقابل ورزش قرار گرفته قانونگذاری است و قسمت دوم که مقابل طب است اجرای حق و قانون میباشد. ازین چهار قسمت هر دو قسمت که بیک موضوع مربوط میشوند وجه اشتراکی با هم دارند؛ طب با ورزش و قانونگذاری با اجرای حق و قانون.

### افلاطون